

# غرش دوباره ببرهای آسیایی

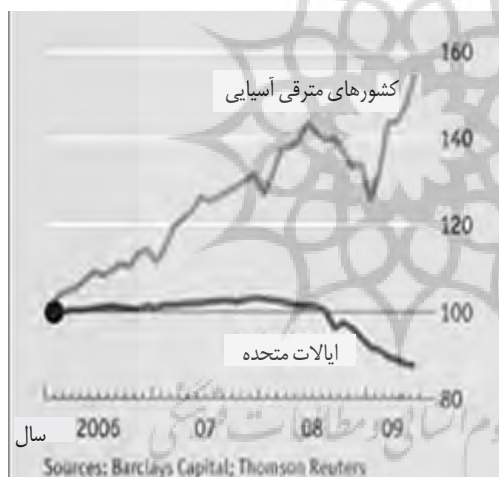


مالزی، هنگ کنگ، کره جنوبی، سنگاپور، تایوان و تایلند هم در رتبه‌های بعدی قرار دارند. طی سه ماهه دوم سال ۲۰۰۹، رشد GDP چین بیش از ۱۵ درصد، کره جنوبی ۱۰ درصد و سنگاپور بیش از ۲۱ درصد افزایش یافت. بدون تردید، چنین جهش‌هایی خیره کننده و تحسین برانگیز است.

اقتصادهای مترقی آسیایی، در مقایسه با سایر اقتصادهای جهان با سرعت بیشتری توانسته‌اند از شر بحران مالی بین‌المللی خلاص شوند و در مسیر رشد همه جانبه قرار گیرند.

سال ۲۰۰۹ را باید سال طلایی اقتصادهای مترقی آسیایی نامید، چرا که تاکنون تفاوت میان نرخ رشد سالانه این اقتصادها و اقتصادهای غربی به چنین حد قابل توجهی نرسیده بود. براساس جدیدترین آمار بانک جهانی و

نمودار شماره یک  
تولید صنعتی (ژانویه ۲۰۰۶=۱۰۰)



اقتصادهای صادرات محور کشورهای شرقی آسیایی، چگونه توانسته‌اند از بحران مالی بین‌المللی رهایی یابند و از نظر رشد اقتصادی، از کشورهای توسعه یافته و صنعتی غرب پیشی بگیرند؟

رشد شاخص‌های اقتصادی در کشورهای آسیایی طی سال ۲۰۰۹ تنها به تولید ناخالص داخلی محدود نمی‌شود، بلکه سایر شاخص‌های اقتصادی نیز شاهد جهش چشمگیری بوده‌اند. به عنوان مثال، میانگین رشد تولید صنعتی کشورهای رو به رشد آسیایی در سه ماهه دوم سال ۲۰۰۹، معادل ۳۶ درصد بوده، در حالیکه این شاخص در آمریکا منفی بوده است (نمودار شماره یک). بنا به گزارش مؤسسه سرمایه‌گذاری و تحقیقات مالی برکلی، اقتصادهای مترقی آسیایی، تنها اقتصادهایی بوده‌اند که توانسته‌اند در سال ۲۰۰۹ به وضعیت مثبت و مطلوب پیش از وقوع بحران مالی جهانی بازگردند.

با این همه، باید دانست که در بررسی این نوع آمارها، ظرافت‌ها و نکات ریزی بایستی لحاظ شوند، چون غفلت از آنها موجب ناتوانی در درک درست پیشرفت و بهبود وضعیت

صندوق بین‌المللی پول، میانگین نرخ رشد اقتصادی در میان اقتصادهای رو به رشد آسیایی در سال ۲۰۰۹ حدود پنج درصد بود که این رقم در مقایسه با رقم ۳/۵ درصدی مربوط به اقتصادهای عضو گروه هفت (G7) بسیار بالا و کم نظیر به نظر می‌رسد. حال سؤال اینجاست که این اقتصادهای صادرات محور، چگونه توانسته‌اند از بحران مالی بین‌المللی رهایی یابند و از نظر رشد اقتصادی، از کشورهای توسعه یافته و صنعتی غرب پیشی بگیرند؟ و آیا قادر به تداوم بخشیدن به این وضعیت در طولانی مدت هستند؟

به طور کلی، آمار و ارقام مربوط به میانگین نرخ رشد اقتصادهای مترقی آسیایی در سال ۲۰۰۹، تفاوت فاحشی با سال پیش از آن دارد و در این میان، بیشترین افزایش هم مربوط به چین، هند و اندونزی است و کشورهای



یکی از علل توانمندی دوباره اقتصادهای آسیایی، تأثیر پذیری اندک آن‌ها از سقوط بازارهای سهام و سرمایه در آمریکا و اروپا بوده است.

از کشورهای آسیایی در طی همان سال‌ها نیز توانستند خیلی زود و بدون نیاز به کمک سایر کشورهای غربی بر مشکلات خود فایز آیند و خیلی زود از بحران خارج شوند و ثانیاً، عوامل به وجود آورنده و تشدید کننده بحران کنونی (که جهانی و فرامنطقه‌ای نیز هست) از نظر جنس و نحوه تأثیر گذاری، کاملاً متفاوت از بحران سال‌های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ است. از سویی دیگر، نقش و جایگاه اقتصادهای مرفقی آسیایی در حال حاضر بسیار بهتر و قوی‌تر از یک دهه پیش است و این مسأله می‌تواند بر توانایی خروج این کشورها از بحران - بدون در نظر گرفتن شرایط مالی و اقتصادی بین‌المللی - تأثیر بسزایی داشته باشد.

برخی از کارشناسان مستقل معتقدند که تحلیلگران و کارشناسان نهادهایی چون بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و بسیاری از مؤسسات تحقیقاتی غربی، هم اکنون دچار همان اشتباهی می‌شوند که در سال ۲۰۰۱ و پس از وقوع انقلاب تکنولوژی اطلاعات و رکود اقتصادی کشورهای آسیایی دچارش شدند. در آن زمان نیز غربی‌ها با شتاب و بسیار عجولانه در مورد مرگ و پایان معجزه اقتصادی آسیا سخن راندند، در حالی که خیلی زود و پس از رقص با شکوه اژدهای چینی و ببر بنگال هندی، نادرست بودن این گونه پیش‌بینی‌ها بر همگان آشکار شد.

هم اکنون نیز بسیاری از غربی‌ها بر این اعتقاد پای می‌فشارند که تا اقتصادهای غربی از رکود خارج نشوند، اقتصادهای آسیایی نخواهند توانست به رشد و توسعه پایدار دست یابند، اما آمارها و گزارش‌های جدید نهادهای بین‌المللی حکایت از آن دارند که گرچه اقتصادهای غربی در رکود دست و پا می‌زنند، اقتصادهای آسیایی، هم توانسته‌اند سقوط شاخص‌های خود در سال ۲۰۰۸ را جبران کنند و هم جهش مطلوبی را در تولید ناخالص داخلی و تولید صنعتی خود به وجود آورند. حال پرسش اینجاست که چنین موفقیتی، چگونه و از چه راهی بدست آمده است؟

یکی از دلایل اصلی توانمندی دوباره اقتصادهای آسیایی که

اقتصادی آسیا در سال ۲۰۰۹ خواهد شد. به عنوان مثال، به آمار و ارقام مربوط به تایوان دقت کنید: جی‌پی مورگان پیش‌بینی کرده بود که تولید ناخالص داخلی این کشور در ابتدای سال ۲۰۰۹، معادل ۳/۸ درصد کمتر از مدت مشابه سال ۲۰۰۸ خواهد بود، اما تایوان خواهد توانست تا سه ماهه چهارم سال ۲۰۰۹، به رشد ۵/۴ درصدی GDP دست یابد. آنچه مسلم است، این است که وضعیت تایوان در ابتدای سال ۲۰۰۹، به هیچ عنوان قابل مقایسه با انتهای این سال نخواهد بود، چرا که اقتصاد این کشور از حالت منفی به وضعیت مثبت ترقی یافته است. با در نظر گرفتن این ظرایف، می‌توان نمودار شماره دو را بهتر و درست‌تر مورد تجزیه و تحلیل قرار داد، به ویژه اگر این واقعیت را نیز در نظر بگیریم که وضعیت اقتصادی و مالی کشورهای غربی و در رأس آنها آمریکا، در مقایسه با ابتدای سال ۲۰۰۹ به مراتب بدتر و وخیم‌تر شده است.

### نمودار شماره دو درصد تغییر GDP در مقایسه با سال قبل



جهش شگفت‌انگیز و خیره‌کننده اقتصادهای رو به رشد آسیایی، بسیاری از تحلیلگران و ارایه دهندهان پیش‌بینی‌های اقتصادی ومالی را غافلگیر و حیرت زده کرده است. به عنوان مثال، در ماه می ۲۰۰۹، صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی کرد که روند رشد اقتصادی ماه‌های نخستین سال ۲۰۰۹ دیری نخواهد پایید، چرا که اقتصادهای توسعه یافته به عنوان متقاضی اصلی صادرات آسیایی (و در واقع، موتور محرکه و پیش برنده رشد اقتصادی آسیا) وضعیت مطلوبی ندارند و همین مسأله، رشد اقتصادی آسیا را کند و پس از مدتی متوقف خواهد ساخت. به عبارت بهتر، تحلیلگران و کارشناسان مسایل اقتصادی عمدتاً در مورد توانایی احیا و رستخیز اقتصادی بیرهای آسیایی پس از وقوع بحران‌های مالی منطقه‌ای و جهانی اشتباه می‌کنند. علت اصلی بروز این اشتباه هم از آنجا ناشی می‌شود که این تحلیلگران، تمام بحران‌های مالی و اقتصادی را که کما پیش در کشورهای آسیایی روی می‌دهد، به بحران فراگیر آسیای جنوب شرقی در سال‌های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ تشبیه می‌کند، حال آنکه این کار کاملاً غلط و غیر منطقی است، چرا که اولاً، برخی

**رشد شاخص‌های اقتصادی در کشورهای آسیایی طی سال ۲۰۰۹، تنها به تولید ناخالص داخلی محدود نمی‌شود، بلکه سایر شاخص‌های اقتصادی نیز شاهد جهش چشمگیری بوده‌اند.**



به رغم تداوم رکود و کساد در اقتصادهای غربی به دست آمده است، از این امر سرچشمه می‌گیرد که سقوط بازارهای سهام و سرمایه در آمریکا و اروپا، تأثیر اندکی بر کشورهای آسیایی گذاشته است. افزایش هزینه‌های تولید و بالا رفتن مصرف داخلی آسیایی‌ها در سال ۲۰۰۸ عمدتاً به دلیل افزایش قیمت نفت و مواد غذایی در سطح جهانی بود که به واسطه اعمال سیاست‌های خاص چون انقباض پولی و مالی توسط بانک‌های مرکزی آسیا، تا حد زیادی از جهش تورم در این کشورها جلوگیری شد و این سیاست‌ها حتی پیش از گسترش و فراگیر شدن بحران مالی جهانی نیز از سوی آسیایی‌ها در پیش گرفته شده بودند. علاوه بر این، ارایه محرک‌های پولی و اعتباری اضافی از سوی دولت‌های آسیایی، موجب افزایش داخلی در این کشورها گردید، هر چند که به بزرگ‌تر شدن سهم دولت‌ها در تولید ناخالص داخلی این کشورها نیز کمک کرد.

علاوه بر این، وضعیت عمومی خانوارها در کشورهای آسیایی، کاملاً با وضعیت خانوارهای آمریکایی و اروپایی متفاوت است، چرا که در آسیا، فشارهای مالیاتی و حجم بالای بدهی‌های بلند مدت خانوارها به بانک‌ها و دولت، بسیار کمتر از آمریکا و اروپاست. از سویی دیگر، تسهیل فرایند اعتباردهی و اعتبارگیری در اقتصادهای آسیایی، موجب شد تا رونق شبکه بانکی از طریق اعطای تسهیلات مطلوب و پرترفدار تحقق یابد. وجود پول ارزان فراوان و بدهکار نبودن بخش عمده‌ای از خانوارهای آسیایی به بانک‌ها و دولت، موجب شده بود تا اشتباهی عمومی برای وام گرفتن از بانک‌ها برای جبران کمبودها افزایش یابد و همین مسئله، موجب جلوگیری از وقوع بحران بانکی (شبهه آنچه در اروپا و آمریکا روی داد و بسیاری از نام‌های قدیمی و ماندگار دنیای بانکداری غرب را در هم شکست) گردید.

به هر حال، چنین به نظر می‌رسد که پیش‌بینی نرخ‌های بالا برای رشد اقتصادی کشورهای آسیایی در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ از سوی کارشناسان مستقل، امری کاملاً منطقی و منطبق با واقعیت است. به عنوان مثال، مایک بوکانن از بانک گلدمن ساکس، معتقد است که بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول می‌بایستی در پیش‌بینی‌های خود در مورد نرخ رشد GDP بوکانن، ارقام ۸/۶ تا ۱۱/۹ درصد را به عنوان نرخ رشد احتمالی GDP این کشورها در سال ۲۰۱۰ پیشنهاد می‌کند.

وضعیت اقتصادی هند نیز بسیار امیدوارکننده و روشن به نظر می‌رسد، به نحوی که رشد GDP این کشور در سال ۲۰۰۹ به بیش از ۵/۸ درصد رسید که سهم صادرات از آن فقط ۱۵ درصد بود. این رقم با رقم ۳۳ درصدی مربوط به چین قابل مقایسه است. بنابراین، پیشنهاد بوکانن مبنی بر در نظر گرفتن رقم ۷/۸ درصدی برای نرخ رشد اقتصادی هند در سال ۲۰۱۰ قابل قبول و تحقق پذیر به نظر می‌رسد، چرا که عواملی چون عدم رونق اقتصادی غرب و تداوم بحران در اقتصاد جهانی که

رقص باشکوه ازدهای چینی و غرش ببر بنگال هندی، نادرست بودن پیش‌بینی‌های تحلیلگران غربی را آشکار ساخت.

**یکی از علل توانمندی دوباره اقتصادهای آسیایی، تأثیرپذیری اندک آنها از سقوط بازارهای سهام و سرمایه در آمریکا و اروپا بوده است.**



بر روی اقتصادهای صادرات محوری چون چین و کره جنوبی می‌تواند تأثیر منفی بگذارد، بر اقتصاد هند که فقط ۱۵ درصد تولید ناخالص داخلی‌اش از محل صادرات تأمین می‌شود، تأثیر منفی قابل ملاحظه‌ای نخواهد گذاشت.

### حباب‌های جدید

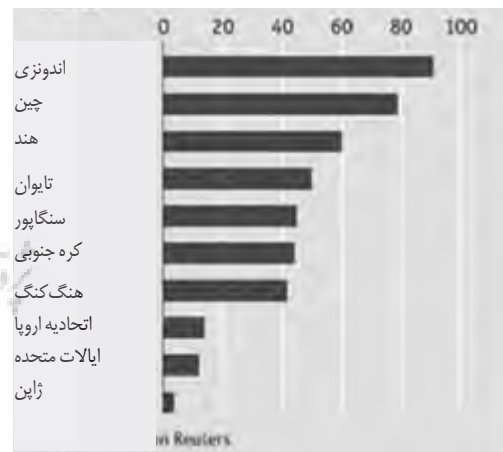
اگر چه اقتصادهای مترقی و رو به رشد آسیایی پس از برون رفت از بحران مالی بین‌المللی، در حال تقویت خود هستند، اما سیاستگذاران و تصمیم‌گیرندگان عرصه مالی و پولی این کشورها، با یک مشکل پیچیده و بغرنج روبرو شده‌اند و آنهم تلاطم بخشیدن به رشد اقتصادی و احیای سیستم‌های تولید و فاینانس بدون ایجاد حباب‌های جدید و بزرگ‌تر شدن حباب‌های جدید است. به طور کلی، این نگرانی در میان کارشناسان و صاحب‌نظران اقتصادی آسیا وجود دارد که سیل نقدینگی جدید که در ماه‌های اخیر بسیاری از کشورهای آسیایی را در بر گرفته است، به ناگزیر موجب حجیم شدن حباب قیمت دارایی خواهد شد. شایان ذکر است که این افزایش حجم حباب‌ها، حتی تا ۵۰ درصد هم می‌تواند باشد (رجوع کنید به نمودار شماره سه). پس از سقوط بهای مسکن در سال ۲۰۰۸، بازار مسکن در سال ۲۰۰۹ در کشورهایی چون هنگ‌کنگ، کره جنوبی و چین با سرعت سرسام‌آوری داغ شده به نحوی که قیمت مسکن در طی ماه‌های اخیر در چین تا ۷۰ درصد (در مقایسه با سال ۲۰۰۸) افزایش یافته است.

اقتصادی آسیا، چرا که احتمال تکرار بحران‌های مالی منطقه‌ای شبیه جریان‌ات سال‌های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ در آسیای جنوب شرقی را افزایش می‌دهد.

کاهش سهم سرمایه‌گذاری از تولید ناخالص داخلی کشورهای آسیایی، یکی دیگر از روندهای غالب در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ بوده است. به عنوان مثال، سهم سرمایه‌گذاری از GDP مالزی از ۴۳ درصد در سال ۱۹۹۷، به کمتر از ۱۹ درصد در سال ۲۰۰۸ رسید. یکی از مهمترین عوامل سقوط سطح سرمایه‌گذاری در کشورهای آسیایی، به کاهش شدید مصرف داخلی و تقاضای داخلی برای تولیدات این کشورها مربوط می‌شود.

نمودار شماره سه

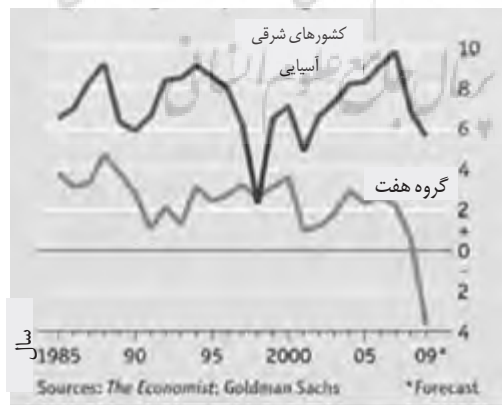
### درصد افزایش در بازارهای سهام از ژانویه ۲۰۰۹



### پرکردن شکاف

شکاف بین نرخ رشد اقتصادی در کشورهای آسیایی با نرخ رشد کشورهای عضو گروه هفت در سال ۲۰۰۸ رو به افزایش نهاد و به نُه درصد رسید (رجوع کنید به نمودار شماره چهار)

### نمودار شماره چهار درصد تغییر GDP در مقایسه با سال قبل



به عقیده بسیاری از کارشناسان اقتصادی، نرخ رشد اقتصادی آسیا طی سال‌های آتی به مراتب کمتر از سال‌های پیش از وقوع بحران مالی اخیر خواهد بود، چرا که موتور محرکه اصلی رشد اقتصادی آسیا، یعنی صادرات به آمریکا،

به طور کلی، چین به نظر می‌رسد که قیمت‌ها در بسیاری از اقتصادهای آسیایی، به سیر صعودی خود ادامه می‌دهند. به عنوان مثال، متوسط بهای مسکن در اقتصادهای آسیایی در مقایسه با سال ۲۰۰۸، افزایش یافته است. بروز چنین وضعیتی موجب شده است تا بانک‌های مرکزی آسیا مجبور به افزایش نرخ بهره شوند و از سویی دیگر، نرخ برابری ارزهای خود در برابر دلار آمریکا را به طور مصنوعی پایین نگه دارند. چنین اقداماتی هر چند که در کوتاه مدت به نفع اقتصادهای آسیایی است، اما در بلندمدت موجب وابستگی این اقتصادها به اقتصادهای غربی و در رأس آنها آمریکا می‌شود و همین مسأله، هشدار می‌دهد که برای سیاستگذاران

تحلیلگران و کارشناسان مسایل اقتصادی، عمدتاً در مورد توانایی احیا و رستخیز اقتصادی بفره‌های آسیایی، پس از وقوع بحران‌های مالی منطقه‌ای و جهانی، اشتباه می‌کنند.

وضعیت اقتصادی هند بسیار امیدوارکننده و روشن به نظر می‌رسد.



مدتی است که از کار افتاده و به نظر نمی‌رسد که تا چند سال آینده جایگزینی برای آن پیدا شود. با این همه، برخی دیگر از اقتصاددانان بر این اعتقادند که چنین گمانه‌زنی‌هایی، نوعی بزرگ‌پنداری و درشت‌نمایی نقش آمریکا در رشد اقتصادی آسیاست. این گروه از اقتصاددانان، در توجیه این نظر خود به این واقعیت اشاره می‌کنند که در دوره زمانی بین سال‌های (۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ که آمریکا با کسری شدید تراز تجاری مواجه بود، مازاد تجاری آسیایی‌ها (که عمدتاً ناشی از صادرات فراوان‌شان به آمریکا بود) فقط شش درصد از رشد GDP منطقه‌ای آسیا را موجب می‌شد که این سهم اندک، با کمک افزایش مصرف داخلی کشورهای آسیایی قابل جبران به نظر می‌رسد.

علاوه بر این، رشد اقتصادی بلند مدت، نه فقط به تقاضا، بلکه به عرضه نیز وابسته است و نرخ رشد بالقوه هر کشوری با توجه به رشد عرضه نیروی کار و بهره‌وری آن کشور تعیین می‌شود. در مجموع، بحران مالی جهانی تأثیر چندانی بر کاهش نرخ بهره‌وری در کشورهای آسیایی نداشته و از این رو، تأثیر بخش عرضه بر رشد اقتصادی آسیا مطلوب و مثبت بوده است. در مقابل، نرخ رشد بالقوه آمریکا و بسیاری دیگر از کشورهای غربی در سال‌های اخیر دچار کاهش شده و پیش‌بینی می‌شود که در طی سال‌های آینده نیز این روند نزولی همچنان ادامه یابد.

به هر حال، پیش‌بینی‌های گوناگون و متنوعی که در مورد چشم‌انداز اقتصادی و رشد کشورهای آسیایی صورت گرفته، حکایت از احتمال تحقق نرخ رشد هفت تا هشت درصدی کشورهای این منطقه طی پنج سال آینده دارد که تقریباً سه برابر نرخ رشد پیش‌بینی شده برای کشورهای غربی می‌باشد. براین اساس، چنین به نظر می‌رسد که ابرهای باران‌سازی که رشد اقتصادی را برای کشورها به ارمغان می‌آورند، در حال حرکت از غرب به سمت شرق هستند و می‌روند تا خاک حاصلخیز این نواحی را دوباره بارور سازند.



به نظر می‌رسد که ابرهای باران‌سازی که رشد اقتصادی را به ارمغان می‌آورند، در حال حرکت به سمت شرق هستند.